

گرامر زبان پیش دانشگاهی

گرامر درس اول : بند قیدی زمان (Adverb Clause of Time) ، بند قیدی علت (Adverb Clause of Reason) و بند قیدی انتخاب (Adverb Clause of Choice)

بندهای قیدی "Adverb Clauses": بند قیدی در واقع بند وابسته‌ای است که به عنوان قید در جمله به کار می‌رود و می‌تواند فعل، صفت یا قید دیگر را مقید کند. بند وابسته ی قیدی (جمله واره ی پیرو) با حرف ربط شروع می‌شود و می‌تواند قبل یا بعد از بند اصلی (جمله واره ی پایه) بیاید.

. قید + جمله ی اصلی

. جمله ی اصلی + قید

. جمله ی (۲) + حرف ربط + جمله ی اصلی (۱)

بند وابسته ی قیدی (پیرو) بند اصلی (پایه)

. جمله ی اصلی (۱) + ، + جمله ی (۲) + حرف ربط

بند اصلی (پایه) بند وابسته ی قیدی (پیرو)

I'll tell you tomorrow. - بهت می‌کم فردا.

I'll tell you when I know. - بهت می‌کم وقتی بروزم.

Tomorrow I'll tell you. فردا بهت می‌کم.

When I know, I'll tell you. وقتی بروزم، بهت می‌کم.

• نکته ی ۱: بعد از بند قیدی ذکر شده در اول جمله، در بیان شفاهی مکث کوتاه و در نوشتار، استفاده از ویرگول ضروری است.

• نکته ی ۲: برای بیان پرسش، معمولاً بند اصلی در ابتدای جمله ذکر شده و سوالی می‌شود.

Will you tell me when you know?

- به من می‌گی، وقتی برونی؟

حروف ربط زیادی وجود دارند که انواع بندهای قیدی را به وجود می‌آورند اما فقط به سه نوع از آنها در درس اول کتاب انگلیسی پیش دانشگاهی اشاره شده است:

۱- حروف ربط زمان **Conjunctions of Time** حرف ربط زمان در ابتدای بند وابسته ی قیدی (جمله وارده ی پیرو) به کار می رود و این بند می تواند قبل یا بعد از بند اصلی (جمله وارده ی پایه) به عنوان

قید زمان بیاید. به مثال ها توجه نمایید:

<i>after</i>	:	پس از، بعد از	– <u>After it had stopped snowing</u> , I went outside.	– بعد از اینکه برف بند اومد، بیرون رفتم.
<i>as*</i>	:	هنگامی که، وقتی که، در حین	– <u>As you were out</u> , I left a message.	– وقتی که بیرون بودی، پیغام گذاشتم.
<i>as soon as</i>	:	به محض اینکه	– <u>As soon as I returned home</u> , I made a fire.	– به محض اینکه برگشتم فونه، آتیش روشن کردم.
<i>before</i>	:	زودتر، پیش تر، از پیش	– My roommate had decided to go skiing <u>before I returned</u> .	– هم اتاقیم تصمیم گرفته بود که به اسکی بره، <u>قبل از اینکه من برگردم</u> .
<i>when</i>	:	زمانی که، وقتی که	– <u>When I was a child</u> , I thought snow was only in Alaska.	– وقتی که بچه بودم، فکر می کردم فقط تو آلاسکا برف می باره.
<i>since*</i>	:	از وقتی که، از آن هنگام که	– She has been a good skier <u>since she was a child</u> .	– از وقتی که بچه بود، اسکی باز فوبی بود.
<i>till</i>	:	تا، تا اینکه	– <u>Till she spoke</u> , I realized she wasn't English.	– تا صحبت کرد، فهمیدم که انگلیسی نیست.
<i>while</i>	:	در مدتی که، وقتی که، همزمان با	– <u>While I was waiting at the bus stop</u> , three buses went by in the opposite direction.	– تو مدتی که ایستگاه اتوبوس منتظر بودم، سه اتوبوس از مسیر مخالف رد شدند.

۲- حروف ربط علت Conjunctions of Reason حرف ربط علت در ابتدای بند وابسته ی قیدی (جمله وارہ ی پیرو) به کار می رود و این بند می تواند قبل یا بعد از بند اصلی (جمله وارہ ی پایه) به

عنوان قید علت بیاید. به مثالها توجه نمایید:

<i>as*</i> :	از آنجاکه، چون	- <u>As they have disobeyed law</u> , they should be punished.	- از اونجا که قانون رو رعایت نکردن، باید تنبیه بشن.
<i>because</i> :	زیرا، چونکه، به دلیل اینکه، چون	- Ali did not come to school <u>because he was ill</u> .	- علی مدرسه نیومد، چون مریض بود.
<i>since*</i> :	نظر به اینکه، چون	- <u>Since my assistant is on vacation</u> , I 'm very busy today.	- چون دستیارم مرخصیه، امروز سرم خیلی شلوغه.

۳- حرف ربط انتخاب Conjunction of Choice حرف ربط انتخاب در ابتدای بند وابسته ی قیدی (جمله وارہ ی پیرو) به کار می رود و این بند می تواند قبل یا بعد از بند اصلی (جمله وارہ ی پایه) به

عنوان قید انتخاب بیاید. به مثال توجه نمایید:

<i>whether ... or ...</i> :	چه ... چه ...	- I'm calling the doctor <u>whether you like it or not</u> .	- به دکتر زنگ می زنم، چه بنوای چه نگوای.
-----------------------------	---------------	--	--

- نکته ی ۳: برای نشان دادن استمرار عملی که در یک زمان با عملی کوتاه در گذشته توأم شده است، از حروف ربط قیدی **when, as, while** به عنوان حرف ربط زمان به طرق زیر استفاده می شود. بلافاصله بعد از **when** گذشته ی ساده به کار می رود و بعد از **while/as** گذشته استمراری.

گذشته ی استمراری	<u>when</u>	. گذشته ی ساده	. گذشته ی استمراری	<u>When</u>	, گذشته ی ساده
------------------	-------------	----------------	--------------------	-------------	----------------

_ I was taking a shower when the telephone rang.

_ When the telephone rang, I was taking a shower.

- داشتم دوش می گرفتم وقتی که تلفن زنگ زد.

- وقتی که تلفن زنگ زد، داشتم دوش می گرفتم.

گذشته ی ساده	<u>as / while</u>	. گذشته ی استمراری	. گذشته ی ساده	<u>As/ While</u>	, گذشته ی استمراری
--------------	-------------------	--------------------	----------------	------------------	--------------------

_ The telephone rang as / while I was taking a shower.

_ As/ While I was taking a shower, the telephone rang.

- تلفن زنگ زد وقتی که داشتم دوش می گرفتم.

- وقتی که داشتم دوش می گرفتم، تلفن زنگ زد.

- **نکته ی ۴:** برای نشان دادن اینکه دو فعالیت (عمل) مستمر به طور هم زمان در جریان بوده است، از *as/while* به عنوان **حرف ربط زمان** استفاده می شود.

گذشته ی استمراری	<u>as / while</u>	گذشته ی استمراری	گذشته ی استمراری	<u>As/ While</u>	گذشته ی استمراری
------------------	-------------------	------------------	------------------	------------------	------------------

_ I was watching TV as / while I was eating dinner.

_ As/ While I was eating dinner, I was watching TV.

- داشتم تلویزیون تماشا می کردم همانطور که شام می خوردم.

- همانطور که شام می خوردم ، داشتم تلویزیون تماشا می کردم.

- **نکته ی ۵:** برخی کلمات مانند *after, before, as, since, till, until,...* می توانند به عنوان **حرف ربط زمان** یا **حرف اضافه ی زمان** به کار روند. اگر بعد از این کلمات، عبارت اسمی به کار رود، حرف

اضافه و اگر بعد از آنها **یک جمله پیرو** به کار رود، حرف **ربط** می باشند.

_ I haven't seen him since this morning.

- او از امروز صبح ندیده ام. (حرف اضافه)

_ I haven't seen him since he left this morning.

- او از وقتی که امروز صبح رفت، ندیده ام. (حرف ربط)

- **نکته ی ۶:** حروف ربط *as, since* می توانند هم به عنوان **حرف ربط زمان** و هم به عنوان **حرف ربط علت** به کار روند.

as* : هنگامی که، وقتی که، در حین (حرف ربط زمان) As you were out, I left a message.

- وقتی که بیرون بودی، پیام گذاشتم.

as* : از آنجا که، چون (حرف ربط علت) As they have disobeyed law, they should be punished.

- از اونجا که قانون رو رعایت نکردن، باید تنبیه بشن.

since* : از وقتی که، از آن هنگام که (حرف ربط زمان) She has been a good skier since she was a child.

- از وقتی که بچه بود، اسکی باز خوبی بود.

since* : نظر به اینکه، چون (حرف ربط علت) Since my assistant is on vacation, I'm very busy today.

- چون دستیارم مرخصیه، امروز سرم خیلی شلوغه.

گرامر درس دوم: مفعول هایی به صورت مصدر با (Infinitive) to ، مصدر بی (To-less infinitive) to و اسم مصدر (Gerund)

جمله ای که فعل متعدی دارد، لزوماً مفعول نیز خواهد داشت. این مفعول می تواند یا عبارت اسمی (Noun Phrase) باشد یا کلمه ای با ریشه ی فعلی. البته بعضی از فعل های متعدی به دو مفعول نیاز دارند.

با توجه به فعل متعدی جمله، مفعول می تواند به یکی از سه حالت زیر باشد:

۱- بعد از فعل های زیر مصدر بی to به کار می رود.

..... + (فعل بی to) + عبارت اسمی + فعل اول +
مفعول ۲ مفعول ۱

<i>let</i> :	اجازه دادن	- Some people seem to let their kids do whatever they like.	- به نظر میار بعضی مردم اجازه میدن بچه هاشون هر چی بتوانن کنن.
<i>make</i> :	وادار کردن، مجبور کردن	- My mother always makes me brush my teeth before I go to bed.	- مامانم همیشه مجبورم میکنه قبل از اینکه به رختشویی برم، دندونامو مسواک بزنم.
<i>help</i> :	کمک کردن	- Sara helped him choose some new clothes.	- سارا کمکش کرد چند لباس تازه انتخاب کنه.
<i>see</i> :	دیدن	- I saw him leave here a few minutes ago.	- اونو چند دقیقه پیش دیدم که اینجا رو ترک کرد.
<i>watch</i> :	تماشا کردن	- I was watching the kids play in the park.	- من بچه ها رو تماشا می کردم که تو پارک بازی میکردن.
<i>hear</i> :	شنیدن	- Cathy heard Tom go upstairs.	- کتی صدای تام رو شنید که رخت طبقه ی بالا.

۲- بعد از فعل های زیر مصدر با **to** به کار می رود.

..... + (فعل با to) + عبارت اسمی + فعل اول +
مفعول ۲ مفعول ۱

<i>advise</i>	:	نصیحت کردن	– Evans advised him to leave London.	– اوانس بهش توصیه کرد که لندن رو ترک کنه.
<i>agree</i>	:	موافقت کردن	– He agreed to come with us.	– موافقت کرد که با ما بیاد.
<i>allow</i>	:	اجازه دادن	– Don't allow your problems to dominate your life.	– اجازه ندرین مشکلاتون به زندگیتون مسلط بشه.
<i>ask</i>	:	درخواست کردن، خواستن	– Ask John to mail those letters tomorrow.	– از جان بخواه اون نامه ها رو فردا پست کنه.
<i>begin</i>	:	شروع کردن	– Alice began to run .	– آلیس شروع کرد به دویدن.
<i>decide</i>	:	تصمیم گرفتن	– Tina's decided to go to Rome for her holidays.	– تینا تصمیم گرفته برای تعطیلات به رم بره.
<i>encourage</i>	:	تشویق کردن، تشویق شدن	– Ali was encouraged to begin playing the guitar by his father.	– علی تشویق شد کیتار زدن رو با پدرش شروع کنه.
<i>expect</i>	:	انتظار داشتن	– The company expects to complete the work in April.	– شرکت انتظار داره کار در آوریل تموم بشه.
<i>force</i>	:	مجبور کردن	– We have forced the enemy to surrender .	– دشمن رو مجبور کرده ایم عقب نشینی کنه.
<i>forget</i>	:	فراموش کردن	– You had forgotten to turn off the lights.	– فراموش کرده بودین لامپها رو خاموش کنین.
<i>hate</i>	:	نفرت داشتن	– I hate to wash the dishes.	– از ظرف شستن متنفرم.
<i>help</i>	:	کمک کردن	– Can you help me to find my keys?	– می تونی کمک کنی کلیدام رو پیدا کنم؟
<i>hope</i>	:	امیدوار بودن	– I hope to see you again.	– امیدوارم بازم رو ببینم.
<i>intend</i>	:	قصد داشتن	– I didn't intend to stay there the night.	– قصد نداشتم شب رو اونجا بمونم.

<i>invite</i>	:	دعوت کردن	– He <i>invited</i> me <u>to stay</u> with him.	– دعوتم کرد که باهاش <u>بمونم</u> .
<i>make</i>	:	مجبور شدن	– I <i>was made</i> <u>to wait</u> two hours for you.	– مجبور شدم دو ساعت <u>منتظرت بشم</u> .
<i>need</i>	:	نیاز داشتن	– I <i>don't need</i> you <u>to help</u> me with the cooking.	– نیازی ندارم به آشپزیم <u>کمک کنی</u> .
<i>offer</i>	:	پیشنهاد دادن	– <i>Can I offer</i> you something <u>to drink</u> ?	– می تونم به شما نوشیدن چیزی <u>پیشنهاد کنم</u> ؟
<i>order</i>	:	سفارش کردن، سفارش دادن	– Her doctor <i>had ordered</i> her <u>to rest</u> for a week.	– دکتر بهش <u>سفارش کرده بود</u> که هفته <u>استراحت کنه</u> .
<i>permit</i>	:	اجازه دادن	– John <i>permitted</i> me <u>to use</u> his car.	– جان بهم <u>اجازه داد</u> از ماشینش <u>استفاده کنم</u> .
<i>plan</i>	:	برنامه ریزی کردن	– Maria <i>hadn't planned</i> <u>to kill</u> Fiona.	– ماریا <u>کشتن</u> فیونا رو <u>برنامه ریزی نکرده بود</u> .
<i>prefer</i>	:	ترجیح دادن	– <i>Do you prefer</i> <u>to stay</u> home?	– ترجیح می دی <u>خونه بمونی</u> ؟
<i>promise</i>	:	قول دادن	– She's <i>promised</i> <u>to do</u> all she can to help me.	– <u>قول داد</u> هر کاری که بتونه برای کمک بهم <u>کنه</u> .
<i>refuse</i>	:	رد کردن، امتناع کردن	– Mom <i>refused</i> <u>to go back</u> into the hospital.	– مامان <u>امتناع کرد</u> به بیمارستان <u>برگرده</u> .
<i>remind</i>	:	یادآوری کردن	– <i>Remind</i> me <u>to buy</u> some milk tonight.	– <u>یادم بنداز</u> امشب کمی شیر <u>بخرم</u> .
<i>stop</i>	:	متوقف کردن	– Mina <i>stopped</i> her car <u>to pick up</u> some fruit.	– مینا ماشینش رو <u>تنگه داشت</u> تا کمی میوه <u>بپینه</u> .
<i>tell</i>	:	گفتن	– I <i>told</i> you <u>not to touch</u> anything!	– <u>بوت گفتم</u> به چیزی <u>دست نزن</u> .
<i>try</i>	:	سعی کردن	– He <i>tried</i> <u>to control</u> his voice.	– <u>سعی کرد</u> صدایش رو <u>کنترل کنه</u> .
<i>warn</i>	:	هشدار دادن	– I <i>warned</i> you <u>not to walk</u> home alone.	– <u>بوت هشدار دادم</u> که تنهایی <u>خونه پیاده نری</u> .
<i>wish</i>	:	خواستن، آرزو کردن	– I <i>wish</i> <u>to make</u> a complaint.	– می <u>خواهم</u> شکایت <u>کنم</u> .

۳- بعد از فعل های زیر فعل **ing-دار** به کار می رود.

..... + **(ing + فعل) / عبارت اسمی + فعل اول** +
مفعول

avoid :	دوری کردن ، اجتناب کردن	- They could not avoid taking political stands	- او نا نمی توانستند دوری کردن از موضع گیری سیاسی.
consider :	در نظر گرفتن، ملاحظه کردن	- I seriously considered resigning .	- با جدیت استعفاء رو بررسی کردم.
dislike :	دوست نداشتن	- I dislike being the centre of attention.	- دوست ندارم مرکز توجه قرار بگیرم .
enjoy :	لذت بردن	- Children enjoy helping their mothers.	- بچه ها از کمک به مادرانشون لذت می برن.
finish :	تمام کردن	- I finished typing the report.	- تایپ گزارش رو تمام کردم.
hate :	نفرت داشتن	- Paul hates having his picture taken	- پائول از اینکه ازش عکس گرفته بشه متنفره.
imagine :	تصور کردن	- Imagine doing a horrible job like that!	- تصور کن انجام چنین کار سختی رو.
like :	دوست داشتن	- How much do you like living in London?	- زندگی تو لندن رو چقدر دوست داری ؟
quit :	ترک کردن، کنار گذاشتن	- He's been given six months to live if he doesn't quit smoking .	- آکه سیگار کشیدن رو کنار نذاره ، فقط شش ماه زنده می مونه.
risk :	خطر کردن	- He risked his life helping others to escape.	- با کمکی که به بقیه کرد تا فرار کنن زندگیشو به خطر انداخت .
stop :	قطع کردن، متوقف کردن	- I stopped diaqing and looked at him.	- کندن رو متوقف کردم و بهوش نگاه کردم.
suggest :	پیشنهاد کردن	- Sue suggested asking her father for his opinion.	- سو پیشنهاد کرد نظر پدرش رو بپرسد .

• نکته ۱: بعد از حروف اضافه فعل به صورت **ing-دار** به کار می رود.

_We kept **on driving** all night.
_I showed my happiness **by smiling**.

_تموم شیو به **رانندگی** ادامه داریم.

_با **تبسمی** فوشمالیم رو نشون دارم.

• نکته ۲: بعد از **help** فعل هم به صورت **to** و هم به صورت **to** به کار می رود.

help : Sara **helped** him **choose** some new clothes. کمک کردن

_ سارا کمکاش کرد چند لباس تازه **انتخاب** کنه.

help : Can you **help** me **to find** my keys? کمک کردن

_ می تونی کمکم کنی کلیدام رو پیدا کنم؟

• نکته ۳: بعد از **can't help** فعل فقط به صورت **ing-دار** به کار می رود.

can't help : I **couldn't help** my **laughing**. نمی توان جلوی گرفت

_ نتونستم جلوی **قندره** رو بگیرم.

• نکته ۴: بعد از **make** در جملات معلوم، فعل به صورت **to** و در جملات مجهول به صورت **to** به کار می رود.

make : My mother always **makes** me **brush** my teeth before I go to bed. وادار کردن، مجبور کردن

_ مامانم همیشه **مجبورم** **میکنه** قبل از اینکه به رشتفواب برم، **دندونامو مسواک** بزنم.

make : I **was made to wait** two hours for you. مجبور شدن

_ **مجبور شدم** دو ساعت **منتظرت** بشم.

• نکته ۵: برای بیان مفهوم "وادار کردن، مجبور کردن" از فعل های **make** و **force** به دو صورت متفاوت می توان استفاده کرد.

make : My mother always **makes** me **brush** my teeth before I go to bed. وادار کردن، مجبور کردن

_ مامانم همیشه **مجبورم** **میکنه** قبل از اینکه به رشتفواب برم، **دندونامو مسواک** بزنم.

force : My mother always **forces** me **to brush** my teeth before I go to bed. وادار کردن، مجبور کردن

_ مامانم همیشه **مجبورم** **میکنه** قبل از اینکه به رشتفواب برم، **دندونامو مسواک** بزنم.

• نکته ۶: برای بیان مفهوم "اجازه دادن" از فعل های **let** و **allow / permit** به دو صورت متفاوت می توان استفاده کرد.

let : اجازه دادن – John **let** me use his car. – جان بهم اجازه داد از ماشینش استفاده کنم.

allow : اجازه دادن – John **allowed** me to use his car. – جان بهم اجازه داد از ماشینش استفاده کنم.

permit : اجازه دادن – John **permitted** me to use his car. – جان بهم اجازه داد از ماشینش استفاده کنم.

• نکته ۷: برای بیان مفهوم "پیشنهاد کردن" از فعل های **offer** و **suggest** به دو صورت متفاوت می توان استفاده کرد.

offer : پیشنهاد دادن – **Can I offer** you something to drink? – می توئم به شما نوشیدن چیزی پیشنهاد کنم؟

suggest : پیشنهاد کردن – **Can I suggest** you something drinking? – می توئم به شما نوشیدن چیزی پیشنهاد کنم؟

گرامر درس سوم: بندهای وصفی (Adjective Clauses)

بند وصفی (Adjective Clauses) در واقع بند وابسته‌ای است که مانند یک صفت، یک گروه اسمی را توصیف می‌کند. بندهای وصفی توسط بعضی از ضمایر موصولی و صفات موصولی به توصیف یک گروه اسمی از بند اصلی می‌پردازد. ضمایر موصولی و صفات موصولی برای وصل بند وصفی به بند اصلی در موارد زیر، به کار می‌روند، به مثال‌ها توجه نمایید:

1a

..... + + فعل + **who** + اشخاص +

– The mechanic **who fixed the car** was Ali's friend.

۱- اشخاص "People":

– مکانیکی که ماشینو تعمیر کرد دوست علی بود.

1b

..... + + اسم یا ضمیر + (**whom/ that**) + اشخاص +

– The mechanic **(whom/ that) I know** is Ali's friend.

– مکانیکی رو که می‌شناختم دوست علی بود.

2a

..... + + فعل + **which** + اسم اشیاء، جانوران و گیاهان +

– The birds **which fly south** come here in summer.

۲- اشیاء، جانوران، گیاهان (انتخاب) "(Choice) Things/ Animals/ Plants":

– پرنده‌هایی که به جنوب پرواز می‌کنن تابستون اینجا می‌یان.

2b

..... + + اسم یا ضمیر + (**which/ that**) + اسم اشیاء، جانوران و گیاهان +

– The bicycle **(which/that) I bought** was new.

– دو پرفهه ای که خریدم نو بود.

3a

..... + + اسم یا ضمیر + **which** + حروف اضافه + مکان +

_ This is the house in which we live.

3b

..... + + حروف اضافه + اسم یا ضمیر + (**which/that**) + مکان +

_ This is the house (which/that) we live in.

3c

..... + + اسم یا ضمیر + **where** + مکان +

_ This is the house where we live.

4

..... + + اسم یا ضمیر + **when** + زمان +

_ I like the season when we pick fruits.

5

..... + + اسم یا ضمیر + **why** + علت +

_ She understood the reason why she should learn English.

6

..... + + اسم + **whose** + مالکیت +

_ I have a friend whose brother is in that office.

۳- مکان (/انتخاب) "Place (/choice)":

_ این فونه ای هست که تو اون زندگی می کنی.

_ این فونه ای هست که تو اون زندگی می کنی.

_ این فونه ای هست که تو اون زندگی می کنی.

۴- زمان "Time":

_ فصلی رو دوست دارم که میوه می بینم.

۵- دلیل و علت "Reason":

_ اون درک می کرد دلیل این که چرا باید انگلیسی یاد بگیرم.

۶- مالکیت "Possessive":

_ من دوستی دارم که برادرش تو اون اداره هستش.

• **نکته ۱:** اگر بند وصفی برای توصیف گروه اسمی ضروری باشد، **محدود کننده "Restrictive"** است. ولی اگر ذکر آن در جمله زیاد ضروری نباشد، **محدود نکننده "Nonrestrictive"** بوده و نقش بدل دارد. در حالت دوم بند وصفی بین دو کاما قرار می گیرد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

– A student **who hopes to finish college in three years** must work very hard.

– Robert, **who hopes to finish college in three years**, must work very hard.

• **نکته ۲:** بندهای وصفی که در آنها **which, that, whom** نقش مفعولی دارند، قابل حذف می‌باشند. این کلمات در فرمول‌های 3b, 2b, 1b در داخل پرانتز نشان داده شده‌اند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

1b – The mechanic I know is Ali's friend.

2b – The bicycle I bought was a new one.

3b – This is the house we live in.

• **نکته ۳:** بندهای وصفی که در آنها **which, that, who** نقش فاعلی دارند مانند جملات 3a, 2a, 1a به دو صورت زیر کوتاه‌تر می‌شوند.
الفعل در بندهای وصفی که فعل اصلی بدون خانوادگی **to be** است، **which, that, who** حذف می‌شود و به فعل **ing** اضافه می‌شود.

1a – The mechanic **who fixed the car** was Ali's friend.

The mechanic ^{fixing`}~~who fixed~~ the car was Ali's friend.

The mechanic fixing the car was Ali's friend.

گروه صفت فاعلی

2a

– The birds **which fly south** come here in summer.

flying`

The birds ~~which fly~~ south come here in summer.

The birds flying south come here in summer.

3a

– The birds **which have flown south** come here in summer.

having`

The birds ~~which have flown~~ south come here in summer.

The birds having flown south come here in summer.

در بندهای وصفی که فعل اصلی آن **to be** است ، **which, that, who** و نیز فعل **to be** حذف می شود.

– The mechanic **who was in the car** was Ali's friend.

The mechanic ~~who was in the car~~ was Ali's friend.

The mechanic in the car was Ali's friend.

– The mechanic **who was fixing the car** was Ali's friend.

The mechanic ~~who was fixing the car~~ was Ali's friend.

The mechanic fixing the car was Ali's friend

– The car **which was fixed** was mine.

The car ~~which was fixed~~ was mine.

The car fixed was mine.

گرامر درس چهارم : قیود مقدار (Adverbs of degree) و مشخص کننده ها (Determiners) :

❖ **Enough** وقتی بعد از صفت یا قید به کار می‌رود، در واقع قید مقدار "Adverb of degree" است و هنگامی که قبل از اسم به کار می‌رود به عنوان یک صفت یا به عبارت بهتر یک مشخص کننده "Determiner" محسوب می‌شود. اما در هر دو حالت می‌تواند **for** و یک گروه اسمی را به همراه مصدر با **to** به دنبال داشته باشد.

. + مصدر با to + (گروه اسمی + **for**) + **enough** + صفت/قید +

— The milk is mild enough for the baby to drink.

صفت ← قید

— شیر، برای نوشیدن کودک به اندازه‌ی کافی ولرمه.

. + مصدر با to + (گروه اسمی + **for**) + **enough** + اسم +

— There is enough milk for the baby to drink.

صفت ← اسم

— شیر کافی برای نوشیدن کودک موجوده.

❖ **Too** وقتی قبل از صفت به کار رود، در واقع قید مقدار است. بعد از آن **for** و یک گروه اسمی در کنار یک مصدر با **to** هم می‌تواند به کار رود.

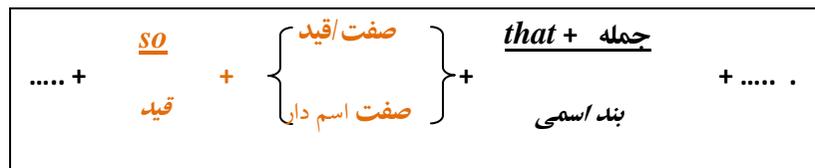
. + مصدر با to + (گروه اسمی + **for**) + **too** + صفت/قید +

— The milk was too hot for your baby to drink.

صفت ← قید

— برای کودکان شیر خیلی داغ‌تر از آن است که نوشیده بشه.

❖ **So** قیدی است که **صفت یا قید** دیگر را مقید می کند. حال این صفت مقید شده ممکن است قبل از اسمی به کار رفته باشد که در این صورت به آن **صفت اسم دار** اطلاق می کنیم. اما به هر حال بعد از این ساختار به یک بند اسمی که با **that** شروع شود نیاز است.



___ The film was **so good** **that** I watched it twice.

___ فیلم **به قدری خوب** بود که دوبار اونو تماشا کردم.

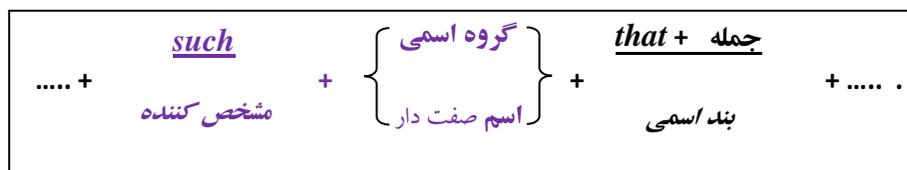
___ There were **so many books** **that** I wondered.

___ کتاب‌ها **به قدری زیاد** بودن که من شگفت زده شدم.

___ There was **so much milk** **that** the baby become happy.

___ شیر **به قدری زیاد** بود که کودک خوشحال شد.

❖ **Such** هنگامی که قبل از **گروه اسمی** به کار می رود به عنوان یک صفت یا به عبارت بهتر یک **مشخص کننده "Determiner"** محسوب می شود. حال این گروه اسمی ممکن است صفت نیز داشته باشد که در این صورت به آن **اسم صفت دار** اطلاق می کنیم. اما به هر حال بعد از این ساختار به یک بند اسمی که با **that** شروع می شود نیاز است.



___ It was **such a film** **that** I watched twice.

___ **چنان** فیلمی بود که من دوبار تماشا کردم.

___ It was **such a good film** **that** I watched twice.

___ **چنان** فیلم خوبی بود که من دوبار تماشا کردم.

___ They were **such good films** **that** I watched twice.

___ **چنان** فیلم‌های خوبی بودند که من دوبار تماشاایشان کردم.

___ It was **such hot milk** **that** the baby couldn't drink.

___ **چنان** شیر داغی بود که کودک نتوانست آن را بنوشد.

گرامر درس پنجم : بند قیدی مغایرت ۱ (Adverb Clause of Concession 1)

بند قیدی مغایرت در واقع بند وابسته‌ای است که به عنوان قید در جمله به کار می‌رود و می‌تواند با **حرف ربطی** مانند **while** یا **whereas** که شروع می‌شود، قبل یا بعد از **بند اصلی** (جمله وارده ی پایه) بیاید.

جمله ی اصلی (۱) + , + جمله ی (۲) + حرف ربط

جمله ی (۲) + حرف ربط + جمله ی اصلی (۱)

– He stopped to help the boy **while he was in a hurry**.

– **While he was in a hurry**, he stopped to help the boy.

– برای کمک به پسر ایستار با این که عجله داشت.

– با این که عجله داشت، برای کمک به پسر ایستار.

– Some people spend their spare time reading **whereas others watch television**.

– **Whereas some people watch television**, others spend their spare time reading.

– بعضی ها اوقات فراغتشان رو صرف خواندن می‌کنن در حالیکه بعضی دیگر تلویزیون تماشا می‌کنن.

– در حالیکه بعضی ها تلویزیون تماشا می‌کنن، بعضی دیگر اوقات فراغتشان رو صرف خواندن می‌کنن.

• **نکته ی ۱:** بعد از بند قیدی ذکر شده در اول جمله، در بیان شفاهی مکث کوتاه و در نوشتار، استفاده از ویرگول ضروری است.

• **نکته ی ۲:** در زبان انگلیسی برای بیان پرسش، **بند اصلی در ابتدای جمله** ذکر شده و سوالی می‌شود ولی در زبان فارسی معمولاً **بند قیدی مغایرت** در ابتدای جمله قرار می‌گیرد.

– Did he stop to help the boy **while he was in a hurry**?

– آیا با این که عجله داشت برای کمک به پسر ایستار؟

• **نکته ی ۳:** برای بیان **مغایرت**، علاوه بر **while , whereas** از حرف ربط های دیگری نیز مانند **but , however** می‌توان استفاده کرد ولی استفاده از دو حرف ربط مغایرت در یک ساختار جایز نیست و فقط باید از یک حرف ربط مغایرت استفاده کرد.

– در حالیکه بعضی ها تلویزیون تماشا می‌کنن، اما به هر حال بعضی دیگر اوقات فراغتشان رو صرف خواندن می‌کنن. **Whereas some people watch television, but/ however** others spend their spare time reading.

• **نکته ی ۴:** حرف ربط **while** می‌تواند هم به عنوان **حرف ربط زمان** و هم به عنوان **حرف ربط مغایرت** به کار رود.

while : وقتی که بیرون بودی، این کتاب رو می‌فوندم. – **While you were out**, I was reading this book. در مدتی که، وقتی که، همزمان با (حرف ربط زمان)

while : با این که علی پسر باهوشیه، با دقت به درس گوش نمی‌کنه. – **While Ali is a clever boy**, he doesn't listen to the lesson carefully. با این که، در حالی که، با وجود این که (حرف ربط مغایرت)

گرامر درس ششم: بند قیدی منظور (Adverb Clause of Purpose)

بند قیدی منظور در واقع بند وابسته‌ای است که به عنوان قید، در جمله به کار می‌رود و می‌تواند با حرف ربطی مانند *so that* یا *in order that* که شروع می‌شود، قبل و بعد از بند اصلی (جمله وارده ی پایه) بیاید.

جمله ی اصلی (۱) + , + جمله ی (۲) + حرف ربط

جمله ی (۲) + حرف ربط + جمله ی اصلی (۱)

– Ali goes to the library **so that he can study in a quiet place.**

– علی به کتابخانه می‌ره تا این‌که بتونه تو یه جای آرام درس بخونه.

So that he can study in a quiet place, Ali goes to the library.

علی برای این‌که بتونه تو یه جای آرام درس بخونه به کتابخانه می‌ره.

– We climbed up the hill **in order that we could have a good view of the forest.**

– از تپه بالا رفتیم به خاطر این‌که دید خوبی نسبت به جنگل داشته باشیم.

In order that we could have a good view of the forest, we climbed up the hill.

به خاطر این‌که دید خوبی نسبت به جنگل داشته باشیم از تپه بالا رفتیم.

• نکته ی ۱: بعد از بند قیدی ذکر شده در اول جمله، در بیان شفاهی مکث کوتاه و در نوشتار، استفاده از ویرگول ضروری است.

• نکته ی ۲: در زبان انگلیسی برای بیان پرسش، بند اصلی در ابتدای جمله ذکر شده و سوالی می‌شود ولی در زبان فارسی معمولاً بند قیدی مغایرت در ابتدای جمله قرار می‌گیرد.

– Does Ali go to the library **so that he can study in a quiet place?**

– آیا علی به کتابخانه می‌ره تا این‌که بتونه تو یه جای آرام درس بخونه؟

• نکته ی ۳: در زبان انگلیسی توالی زمانی در جمله ی اصلی و بند قیدی رعایت می‌شود ولی در زبان فارسی این توالی زیاد مهم نیست.

– Ali goes to the library **so that he can study in a quiet place.**

– علی به کتابخانه می‌ره تا این‌که بتونه تو یه جای آرام درس بخونه.

– Ali went to the library **so that he could study in a quiet place.**

– علی به کتابخانه رفت تا این‌که بتونه تو یه جای آرام درس بخونه.

• نکته ی ۴: برای بیان منظور، علاوه بر *so that, in order that* از *so as to, in order to* به همراه یک فعل نیز می‌توان استفاده کرد.

– She studies hard **to pass** the test.

– اون به سختی درس می‌خونه تا امتحان رو پاس کنه.

– **In order to** wake him up, I went out loudly.

– برای این‌که اونو بیدار کنم، با سر و صدا بیرون رفتم.

– He turned on the TV **so as to** watch the news.

– تلویزیون رو روشن کرد تا اخبار تماشا کنه.

• نکته ی ۵: برای بیان منظور در حالت منفی، از *in order not to* یا *so as not to* به همراه یک فعل می‌توان استفاده کرد ولی از *not to* نمی‌توان استفاده کرد.

– She studies hard **not to fail** the test.

– اون به سختی درس می‌خونه تا از امتحان سرور نشه.

– **In order not to** wake him up, I went out silently.

– برای این‌که اونو بیدار نکنم، به آرامی بیرون رفتم.

– He turned off the TV **so as not to** watch the news.

– تلویزیون رو خاموش کرد تا اخبار تماشا نکنه.

گرامر درس هفتم : بند قیدی مغایرت ۲ (Adverb Clause of Concession 2)

در درس پنجم با **بند قیدی مغایرت** با حرف ربط **while , whereas** آشنا شدیم. در این درس با **حروف ربط *though, although, even though*** آشنا می شویم که این ها نیز برای بیان **مغایرت** در ابتدای بند قیدی ، قبل یا بعد از بند اصلی (جمله وارده ی پایه) به کار می روند.

. جمله ی (۲) + حرف ربط + جمله ی اصلی (۱)

. جمله ی اصلی (۱) + , + جمله ی (۲) + حرف ربط

_ They didn't hurry up though they were very late.

- او تا عجله نمی کردن گرچه دیر کرده بودن.

_ She works very hard although she doesn't enjoy her job.

- اون سخت کار میکنه اگرچه از کارش لذت نمی بیره.

_ Usefulness of Internet cannot be denied even though it can be addictive.

- فایده ی اینترنت نمی تونه انکار بشه اگر چه میتونه اعتیاد آور باشه.

Though they were very late, they didn't hurry up.

- گرچه او تا دیر کرده بودن، (اما) عجله نمی کردن.

Although she doesn't enjoy her job, she works very hard.

- اگرچه اون از کارش لذت نمی بیره (اما) سخت کار میکنه.

Even though Internet can be addictive, its usefulness cannot be denied.

- اگر چه اینترنت میتونه اعتیاد آور باشه (اما) فایده یش نمی تونه انکار بشه.

• **نکته ی ۱:** بعد از بند قیدی ذکر شده در اول جمله، در بیان شفاهی مکث کوتاه و در نوشتار، استفاده از ویرگول ضروری است.

• **نکته ی ۲:** برای بیان **مغایرت**، علاوه بر **though, although, even though** از حرف ربط های دیگری نیز مانند **but, however** می توان استفاده کرد ولی استفاده از دو حرف ربط مغایرت در یک

ساختار انگلیسی جایز نیست فقط باید از یک حرف ربط مغایرت استفاده کرد هر چند در زبان فارسی معمولاً از دو کلمه ی مغایرت استفاده می شود.

Though they were very late, ~~but~~ however they didn't hurry up.

- گرچه او تا دیر کرده بودن، (اما) عجله نمی کردن.

گرامر درس هشتم : افعال کمکی ناقص در زمان گذشته (Modals in Past)

افعال کمکی ناقص (Modals) افعالی هستند که بدون افعال اصلی، جمله ناقص می شود. افعال ناقص مفاهیم و معانی جدیدی از قبیل "احتمال"، "امکان"، "اجازه"، "درخواست"، "توصیه" و... را به فعل اصلی می افزایند. بعضی از این افعال عبارتند از:

will, would, shall, should, can, could, may, might, must, have to, ...

در گذشته با برخی از کاربردهای این افعال آشنا شدید. در این بخش، به کاربرد این افعال برای اظهار نظر در مورد وقایعی که در گذشته اتفاق افتاده اند، پرداخته می شوند. بدین خاطر، از ساختار کلی زیر استفاده می شود.

..... + Modals + have + PP +

هر کدام از افعال ناقص که در این ساختار به کار می روند، مفهوم ویژه ای را بیان می کنند که در اینجا به شرح بعضی از آنها می پردازیم:

1. Should

..... + should + have + PP +

این ساختار برای **توصیه** و **نصیحت** برای انجام کاری است که در گذشته **باید** انجام می گرفت ولی انجام نشده است. به مثال های زیر توجه کنید:

-You **should have helped** the poor man. (But you didn't.)

- شما می **بایست** به آن مرد فقیر کمک می کردید. (اما نکردید.)

-You **shouldn't have asked** Mina for help. (But you did.)

- شما می **بایست** از مینا **درخواست کمک نمی کردید**. (اما کردید.)

2. Must

..... + must + have + PP +

این ساختار برای بیان **استنتاج** و **نتیجه گیری منطقی** از عملی در گذشته به کار می رود یعنی هرگاه بر اساس **شواهد موجود** از انجام عملی در گذشته **مطمئن** شویم، از این ساختار استفاده می کنیم. به مثال های زیر توجه کنید:

-The streets were wet in the morning. It **must have rained** last night.

-صبح خیابونا خیس بود. **متماً** شب باران باریده. (یعنی مطمئن هستم که ریشب باران باریده و دلیل خیس بودن خیابونا چیز دیگری ای نمی تونه باشه.)

- Ali went to bed early last night. He **must have been** too tired.

- علی ریشب زود به رختخوابش رفت. **لاپر خیلی** خسته بوده.

- **نکته:** در حالت منفی، یعنی وقتی که نتیجه گیری می کنیم عملی نمی توانسته انجام شود، از ساختار زیر استفاده می کنیم:

..... + **couldn't + have + PP** +

-The box was very heavy. He **couldn't have taken** it by himself.

- جعبه خیلی سنگین بود. اون نمی تونسته تنهایی اونو برده باشه.

..... + **could + have + PP** +

3. Could

این ساختار برای بیان **عدم توانایی** انجام عملی در گذشته به کار می رود یعنی عملی می توانسته انجام شود ولی انجام نشده است. به مثال های زیر توجه کنید:

-We **could have gone** to the cinema, but we stayed at home.

- ما می تونستیم بریم سینما اما فونه مونریم.

- He **could have spoken** Persian, but he spoke English.

- می تونست فارسی صحبت کنه اما انگلیسی صحبت کرد.

4. May/Might

..... + **may/might + have + PP** +

این ساختار برای بیان **امکان یا احتمال** وقوع عمل در گذشته استفاده می شود. به مثال های زیر توجه کنید:

-I can't find my keys. I **may/might have left** them at home.

- نمی تونم کلیدامو پیدا کنم **ممکنه** اونا رو فونه جا گذاشته باشم.

-Ali wasn't at school yesterday. He **may/might have been** ill, but I'm not Sure.

-علی دیروز مدرسه نبود. **ممکنه** مریض باشه؛ اما مطمئن نیستم.